­**فهرست**

عنوان صفحه

[فصل اول: نفس در قرآن 2](#_Toc531528756)

[پاسخ سوالات فصل اول 5](#_Toc531528757)

[فصل دوم: کندی 8](#_Toc531528758)

[پاسخ سوالات فصل دوم 10](#_Toc531528759)

[فصل سوم: فارابی 13](#_Toc531528760)

[پاسخ سوالات فصل سوم 18](#_Toc531528761)

[فصل چهارم: ابن سینا 22](#_Toc531528762)

[پاسخ سوالات فصل چهارم 30](#_Toc531528763)

[فصل پنجم: غزالی 39](#_Toc531528764)

[پاسخ سوالات فصل پنجم 44](#_Toc531528765)

[فصل ششم: سهروردی 49](#_Toc531528766)

[پاسخ سوالات فصل ششم 51](#_Toc531528767)

[فصل هفتم: ملاصدرا 53](#_Toc531528768)

[پاسخ سوالات فصل هفتم 56](#_Toc531528769)

[فصل هشتم: نظریه های جدید در روانشناسی 60](#_Toc531528770)

[پاسخ سوالات فصل هشتم 62](#_Toc531528771)

[فصل نهم: معانی عقل و اصطلاحات آن 64](#_Toc531528772)

[پاسخ سوالات فصل نهم 68](#_Toc531528773)

[فصل دهم: شخصیت؛ سازماندهی ویژگی های کلی حیات 73](#_Toc531528774)

[پاسخ سوالات فصل دهم 78](#_Toc531528775)

[فصل یازدهم: غریزه و فطرت؛ نفس 83](#_Toc531528776)

[پاسخ سوالات فصل یازدهم 85](#_Toc531528777)

[فصل دوازدهم: سلامت روانی و نابهنجاری 87](#_Toc531528778)

[پاسخ سوالات فصل دوازدهم 89](#_Toc531528779)

[منابع 91](#_Toc531528780)

[منابع بیشتر برای حداکثر تسلط 92](#_Toc531528781)

# فصل اول: نفس در قرآن

**1- آیه شریفه "لا تّکلف نَفس اِلا وُسعَها" اشاره به کدامیک از شرایط عامه تکلیف در انسان می‌کند؟**

1) آزادی 2) آگاهی 3) توانایی 4) عقل

**2- در آیه "کُل نَفس ذائقُه المَوت" نفس به چه معناست؟**

1) حیات حیوانی 2) روان 3) نفس تعالی نیافته 4) وجدان نفسانی

**3- "نفس" در آیه شریفه‌ی "هُوالذی خَلقکُم مِن نُفسِ واحدة" ........... است.**

1) اصل و بن 2) درون 3) افراد 4) طبیعت

**4- در کدام آیه‌ی قرآن، نفس به معنی شخصی معین آمده است؟**

1) وهی راوَدتَنی عَن نَفسی 2) ومَن قتل نَفسا بغِیر نَفس

3) الله یتَوفی اِلا نَفس حین مَوتها 4) هو الذی خَلقکُم مِن نَفسِ واحدة

**5- در کدام آیه نفس به معنای "ذات الهی" آمده است؟**

1) واصطَفیتک لِنفسی 2) الله یتوفی اِلا نَفس

3) یا ایتها النَفس المُطمَئنه 4) و مَن قَتل نفسا بِغَیر نَفس

**6- در کدام آیه شریفه، "نفس" به معنای انسان آمده است؟**

1) یَحذُرکُم الله نَفسه 2) اِن النَفس الاَمارة بالسوء

3) الله یتوفی اِلا نَفس حین مَوتها 4) لا تُکلِف نَفس الا وُسعُها

**7- "نفس" در عبارت "هر نفسی مرگ را خواهد چشید" به چه معنایی است؟**

1) حیات حیوانی 2) نفس انسان 3) وجدان نفسانی 4) اصل اثبات انسانی

**8- در آیه شریفه "و یحذرکم الله نفسه" معنای نفس کدام است؟**

1) روح الهی 2) قلب آدمی

3) ذات انسان 4) نفس الهی و تاّکید لفظی بر عقوبت الهی

**9- آیه مبارکه " الذی خلق الموت و الحیاة" برکدام جنبه از وجود نفس دلالت می‌کند؟**

1) بقای نفس 2) خلود نفس 3) قوای نفس 4) مبداأ نفس

**10- این جمله چه معنایی از نفس را می‌رساند؟ "هر نفسی در عالم رنج و سختی مرگ را می‌چشد و با خوبی و بدی آزمایش می‌شود"**

1) اصل ثابت انسانی و خود‌آگاهی 2) نفس به معنای شخصیت تکامل یافته

3) نفس حیوانی 4) نفس به معنای جان

**11- نفس در این آیه به چه معناست: "و ذکر به آن تَبسل نَفس بِما کَسَبَت"؟**

1) مرگ 2) ذات الهی 3) نفس حیوانی 4) روان یا نفس انسانی

**12- نفس به معنای اصل ثبات و خود اگاهی در کدام یک از آیه‌های زیر آورده شده است؟**

1) ما کان لنفس اَن تموت الا به اذن الله 2) لا تکلف نفساَ الا وسعها

3) و نفس و ما سویها فالهمها فجورها و تقویها 4) ما ابری نفسی ان النفس الاماره

**13- در آیه "ما ابری نَفسی ان النَفس الاَماره" نفس به کدام معناست؟**

1) خود آگاهی 2) نفس حیوانی 3)عقوبت 4) روان

**14-در آیه "عَلِمَت نَفس ما قَدمت و آخرت" نفس به چه معناست؟**

1) روان 2) جان 3) شخصیت متعادل 4) وجدان نفسانی

**15- در آیه "ومَن یَفعَل ذلک فَلیس من الله فی شیء الا ان تَتَقوا منهُم تقاهُ و یحذرکُم الله نفسه" نفس به چه معنی به کار رفته است؟**

1) روان انسان 2) نفس تعالی نیافته 3) علم 4) عقوبت

**16- در آیه "وذکر به ان تبسل نَفس بِما کَسَبت" نفس به چه معنی می باشد؟**

1) نفس حیوانی 2) خود آگاهی 3) جان 4) روان

**17- در آیه "... ان کنت قلته فَقد علمته تعلم ما فی نَفسی و لا اعلم ما فی نَفسک"، نفس به چه معنی به کار رفته است؟**

1) روان انسان 2) نفس تعالی نیافته 3) علم 4) روح وجان

**18- "نفس را تبرئه نمی کنم که نفس آمر به بدی است" در این آیه نفس به چه معنا به کار رفته است؟**

1) عامل افاضه حیات 2) نفس تعالی نیافته 3) حیات حیوانی 4) وجدان

**19- کدام‌یک از مفاهیم در قرآن به معنای نفس آمده است؟ (کنکور 87)**

1) دم و بازدم 2) عقوبت 3) گمراهی 4) میل

**20- نفس به معنی روح در کدام یک از آیات قرآن آمده است؟ (کنکور 88)**

1) واصطنعتک لنفسی 2) هوا لذی خلقکم من نفس واحده

3) الله یتوفی الانفس حین موت‌ها 4) یا ایت‌ها النفس المطمئنه ارجعی الی ربک

**21- درآیه"لاتکلف نفس الاوسعها" مفهوم نفس به کدام یک از معانی زیر آمده است؟ (کنکور 88)**

1) انسان 2) نفس نباتی 3) نفس حیوانی 4) شخص خاص

**22- آیه شریفه "و نفس و ما سوی‌ها" ناظر بر چه چیزی است؟ (کنکور 89)**

1) روان انسان که حالت اکتسابی جذب خیر یا شر را دارد. 2) جان و حیات حیوانی که حالت اکتسابی جذب خیر و شر را دارد.

3) جان و حیات حیوانی که خاصیت ادراکی انفعالی و افعالی دارد. 4) روان انسان که در مسیر ظهور و فعلیت فطرت حرکت کرده است.

**23- در قرآن کریم نفس در این معنا به کار نرفته است؟(کنکور 90)**

1) امیال 2) روح 3) انسان 4) علم

**24-با توجه به معنی آیه "ولاتکونوا کلذین نسؤالله فانسیهم انفسهم" واژه نفس به چه معنی است؟ (کنکور 92)**

1) شخص 2) ذات الهی 3) درون انسان 4) حقیقت وجود آدمی

**25- معنی و مفهوم نفس در آیه "الله یتوفی الانفس" چیست؟ (کنکور 93)**

1) عقل 2) فطرت 3) روح 4) قلب

**26- مراد از نفس در آیه "کل نفس ذائقه الموت" چیست؟ (کنکور 93)**

1) انسان 2) نفس نباتی 3) نفس حیاتی 4) نفس حیوانی

**27- این سخن حضرت یوسف (ع) در قرآن که: "من نفس خویش را تبرئه نمی کنم به درستی که نفس بسیار به بدی ها امر می‌کند. مگر آنکه پروردگارم رحم کند.... )" ناظر به کدام جنبه نفس است؟ (کنکور 92)**

1) خطای انسانی 2) قلب و باطن آدمی 3) حیات انسانی 4) تمایلات نفسانی

**28- بر اساس آیات قرآنی، علاوه بر مرگ، انسان در کدام موقعیت فاقد "نفس" است؟ (کنکور95)**

1) کفر 2) خواب 3) مستی 4) بی­هوشی

**29- مفهوم روح در آیه « تنزل الملائکه و الروح»، چیست؟ (کنکور 94)**

1) موجود آسمانی 2) نفس انسانی 3) روح عالم 4) روح خدایی

**30**- **در بعضی آیات قرآن، انسان ستایش و در برخی نکوهش شده، مبدأ این ستایش‌ها و نکوهش‌ها کدام است؟ (کنکور 96)**

1) فطرت‌گرایی- طبیعت‌رایی ۲) عوامل ذاتی- عوامل اکتسابی ۳) روح‌گرایی‌- ماده‌گرایی ۴) عوامل درونی- عوامل بیرونی

**31**- **براساس سورة «شمس»، پس از تسویه جان انسان‌ها از سوی خداوند، چه فعلی انجام می‌پذیرد؟ (کنکور 96)**

۱) الهام خوبی‌ها ۲) تزکیه از بدی‌ها ۳) الهام خوبی‌ها و بدی‌ها ۴) اعطای عقل

**32**-**کدام مورد بیانگر دیدگاه قرآن کریم در ارتباط با «انسان و اجتماع» است؟ (سراسری 99)**

1) جوامع به تبع تغییرات انسان‌ها، تغییر می‌کنند. 2) انسان‌ها اکثراً در اثر تغییرات اجتماعی تغییر می‌کنند.

3) جامعه و انسان، ارتباطی با هم ندارند و هرکدام مسیر خود را طی می‌کنند. 4) آنچه که تغییر اجتماعی، یا انسانی نامیده می‌شود، جریان یافتن ارادة الهی است.

**33**- **قرآن کریم، در توصیف کارکرد قلب، کدام اصطلاح را به کار می‌برد؟ (کنکور 96)**

1) تفکر ۲) تنویر ۳) تعقل ۴) تعبیر

**34- از دیدگاه قرآن کریم، انسان در چه حالتی دچار طغیان می‌شود؟ (سراسری 99)**

1) دین‌ستیزی 2) غرور و سرمستی 3) احساس بی‌نیازی 4) تکذیب آیات الهی

**35- در کدام سورة قرآن، «وسواس» به‌عنوان یک مشکل انسانی مطرح شده است؟ (سراسری 99)**

1) ناس 2) قدر 3) حجر 4) فلق

**36-"قلب" در قرآن عبارتست از کانون .............**

1) عقل و فطرت 2) عقل و نفس

3) فطرت سلیم، تفکر، عواطف و آلودگی ها 4) روح عقل و جان و دل

**37- در آیه «ومن یؤمن بالله یهد قلبه» واژه قلب به چه معنا می‌باشد؟**

1) کانون فطرت سلیم 2) کانون تفکر و استدلال 3) کانون آلودگی ها 4) کانون عواطف گوناگون

**38- انفعال و احساس در کدام یک از آیات زیر به قلب نسبت داده شده است؟ (کنکور 93)**

1) فانه اثم قلبه 2) فتکون لهم قلوب یعقلون بها

3) ولکن یواخذ کم بما کسبت قلوبکم 4) و لو کنت فظا غلیظ القلب لانفضوا من حولک

# پاسخ سوالات فصل اول

**1. گزینه3 صحیح است.** شامل نفس به معنای **شخصیت شکل یافته و متعادل** است: **لا تُکَلِّفُ نَفْساً اِلا وُسْعَها** (خدا هر کس را به اندازة توانایی‌اش تکلیف می‌دهد). در این مرتبه نفسی مطرح است که خود را به مرتبه‌ای از تکامل رسانده است.

**2.گزینه 1 صحیح است.** در قرآن ابتدا از نفس به معنای **جان یا حیات حیوانی** یاد می‌شود. **ما کان لِنَفسٍ اَن تَموت اِلا بِاِذن الله** (برای نفس چیزی نیست مگر آن که بمیرد با اذن پروردگار)؛ **کل نفس ذائقة الموت** (هر نفسی- هر حیاتی- مرگ را خواهد چشید). در این دو آیه، نفس همردیف جان است، که مرگ برایش پایان و غایت است.

**3.گزینه 1 صحیح است.** واژه‌ی نفس در این آیه به معنی اصل و بن است که انسان ها از آن خلق شده‌اند.

**4. گزینه 1 صحیح است.**

**5. گزینه 1 صحیح است.**

درآیه‌ی « واصطَفیتک لِنفسی» خداوند به حضرت موسی می‌فرماید تو را برای خودم برگزیدم بنابراین واژه‌ی نفس در اینجا به معنی ذات الهی است.

**6.گزینه 4 صحیح است.** نفس به معنای **شخصیت شکل یافته و متعادل** است: **لا تُکَلِّفُ نَفْساً اِلا وُسْعَها** (خدا هر کس را به اندازة توانایی‌اش تکلیف می‌دهد). در این مرتبه نفسی مطرح است که خود را به مرتبه‌ای از تکامل رسانده است.

**7.گزینه 1 صحیح است. کل نفس ذائقة الموت** (هر نفسی- هر حیاتی- مرگ را خواهد چشید). در این آیه، نفس هم ردیف جان است، که مرگ برایش پایان و غایت است.

**8.گزینه 4 صحیح است.** یکی از معانی نفس در قرآن به معنای عقوبت است. درسوره آل عمران آمده است: (هرکس چنین کند "از کفار دوست برگزیند" پس نیست از خداوند درچیزی مگر آنکه بپرهیزد از آنان و خداوند شما را از عقوبت و غضب خویش بر حذر می‌دارد).

**9.گزینه 4 صحیح است.** با توجه به معنای آیه که به خلقت و موت انسان اشاره دارد می توان به مبدأ اولیه‌ی نفس و این موضوع که همه‌ی انسان ها از دنیا خواهند رفت و به عبارت دیگر به جان یا حیات حیوانی اشاره دارد.

**10.گزینه 1 صحیح است.**  نفس به معنای **وجدان نفسانی یا خودآگاهی** آمده: **کُلُّ نَفْسٍ ذایِقَة المُوت و نَبْلُوَکْم بِالشِرَّ و الخیر فَتْنَةً و اِلَینا تُرْجَعون** (هر نفسی- جانی- در عالم رنج و سختی مرگ را می‌چشد و در سیر زندگی با خوبی و بدی آزمایش می‌شود و به سوی ما بازگشت می‌کند).

**11.گزینه 4 صحیح است.** نفس به معنای **روان** یا نفس انسانی آمده است: **و ذَکِّر به اَنْ تُبْسَل نفسٌ بِما کَسَبَتْ** (و پند بده به آن نفس، آنچه کسب کند، بدان گرفتار می‌شود) - نفس ماهیت خویش را با مکتسبات می‌سازد- در این مورد نفس همان مجموعة حالات روانی است که خاصیت ادراکی، انفعالی و افعالی دارد و بر مبنای این سه خصوصیت خود را می‌سازد و شخصیت خود را شکل می‌دهد.

**12.گزینه 3 صحیح است.** نفس به معنی **اصل ثابت انسانی و خودآگاهی** است: **و نفسٍ و ما سَوَّیها فَاَلْهَمَها فُجوُرَها و تَقْویها** (قسم به نفس و آنکه او را متعادل و متکامل آفرید و در او بدکاری و پرهیزکاری الهام کرد). این آیه ناظر به روان انسان است که می‌تواند در مسیر ظهور و فعلیت فطرت حرکت کرده و الهام گیرد و متکامل شود و یا به بدکاری روی آورد، خلاصه حالت اکتسابی جذب خیر یا شر را دارد.

**13.گزینه 2 صحیح است.** نفس به معنای **نفس حیوانی یا نفس تعالی نیافته** نیز آمده است: **ما اُبَّرِی نَفْسی اِنَّ النَّفسَ لامّارَةُ بَالسُّوء اِلا ما رَحِمَ رَبّی اَنَ ربّی غَفور رحیم** (نفسم را تبرئه نمی‌کنم که نفس، آمر به بدی است مگر خدا بر من رحمت آورد، بدرستی که پروردگار من آمرزنده و مهربان است). من خودستایی نکرده و نفس خویش را از عیب و تقصیر مبرا نمی‌دانم، زیرا نفس امّاره، انسان را به کارهای زشت وا می‌دارد جز آنکه خدای بر او رحمتم آورد.

**14.گزینه 4 صحیح است. عَلِمَتْ نَفْسُ ما قَدَّمَتْ و اَخَّرَتْ** (هر نفسی می‌داند آنچه را که از پیش فرستاده شده است و آنچه را که از پس خواهد آمد). در این آیه نفس به معنای جان آمده است و همه به معنای عامل وجدان و شعور که نتیجتاً منش انسانی را بیان می‌کند.

**15. گزینه 4 صحیح است.** مراجعه شود به پاسخ سوال 8

**16. گزینه 4 صحیح است.** نفس به معنای **روان** یا نفس انسانی آمده است: **و ذَکِّر به اَنْ تُبْسَل نفسٌ بِما کَسَبَتْ** (و پند بده به آن نفس، آنچه کسب کند، بدان گرفتار می‌شود) - نفس ماهیت خویش را با مکتسبات می‌سازد- در این مورد نفس همان مجموعة حالات روانی است که خاصیت ادراکی، انفعالی و افعالی دارد و بر مبنای این سه خصوصیت خود را می‌سازد و شخصیت خود را شکل می‌دهد.

**17.گزینه 3 صحیح است.** این آیه از زبان خداوند به حضرت عیسی (ع) است که می فرماید آیا تو به مردم گفتی که من و مادرم را را به غیر خدا، دو معبود دیگر بگیرید؟ عیسی گفت منزهی تو ای خدا شایسته من نیست که چیزی بگویم که حق من نیست، اگر من این را گفته بودم تو میدانستی چون به تحقیق تو آنچه در ضمیر من می گذرد می دانی در حالیکه من چیزهایی که در نزد توست نمی دانم به راستی که تو دانای غیب ها هستی. بنابراین نفس به معنای علم واگاهی به کار می رود.

**18 گزینه 2 صحیح است.** نفس به معنای **نفس حیوانی یا نفس تعالی نیافته** نیز آمده است: **ما اُبَّرِی نَفْسی اِنَّ النَّفسَ لامّارَةُ بَالسُّوء اِلا ما رَحِمَ رَبّی اَنَ ربّی غَفور رحیم** (نفسم را تبرئه نمی‌کنم که نفس، آمر به بدی است مگر خدا بر من رحمت آورد، بدرستی که پروردگار من آمرزنده و مهربان است). من خودستایی نکرده و نفس خویش را از عیب و تقصیر مبرا نمی‌دانم، زیرا نفس امّاره، انسان را به کارهای زشت وا می‌دارد جز آنکه خدای بر او رحمتم آورد.

**19. گزینه 2 صحیح است.** مراجعه شود به پاسخ سوال 8

**20.گزینه­ 3 صحیح است.** در آیه­ی شریفه "الله یتوفی الا نفس حین موتها»" نفس به معنای روح به کار رفته است.

**21.گزینه­ 1 صحیح است.** در این آیه نفس به معنای شخصیت شکل­یافته و متعادل "انسان" است که خود را به مرتب‌های از تکامل رسانده است.

**22. چگزینه 1 صحیح است.** و نفس و ما سَوَّیما فالهمها فجور‌ها و تقویها: قسم به نفس و آنکه او را متعادل و متکامل آفرید و در او پرهیزکاری و بدکاری الهام کرد. این آیه ناظر به روان انسان است که می‌تواند در مسیر ظهور و فعلیت فطرت حرکت کرده و الهام گیرد و متکامل شود و یا به بدکاری روی آورد، \* **حالت اکتسابی جذب خیر یا شر را دارد.**

**23.گزینه 1 صحیح است.** در قرآن نفس در 6 معنا به کار رفته است: معنای جان یا حیات حیوانی، روان یا نفس انسانی، شخصیت شکل یافته متعادل، نفس به معنای وجدان نفسانی یا خودآگاهی، اصل ثابت انسانی و خودآگاهی و نفس حیاتی یا نفس تعالی­نیافته. ولی نفس به معنای امیال به کار نرفته است.

**24. گزینه 4 صحیح است.** نفس در اینجا به معنای حقیقت وجود آدمی است.

**25.گزینه­ 3 صحیح است.** نفس در این آیه به معنای روح است. در سوره زمر می‌خوانیم: (خداوند جان ها را به هنگام مرگ می‌ستاند و آن را که نمرده است به هنگام خفتنش...).

**26.گزینه1صحیح است.** در اینجا نفس به معنای جان یا حیات حیوانی است: که مرگ برایش پایان و غایت است (ماکان لنفس اَنْ عَدت الّا باذن الله – کلُّ نفس ذائقه الموت). جواب این سوال با اغماض گزینه 1 است( هر چند جواب درستی به نظر نمیرسد اما سه گزینه دیگر قاطعانه نادرست هستند.) نفس حیوانی، نفی حیاتی همان نفس اماره هستند و باید توجد داشت نفس حیوانی همان حیات حیوانی نیست.

**27. گزینه 4 صحیح است.**

**28. گزینه 2 صحیح است.**

**29. گزینه 1 صحیح است.**

**30.گزینه 1 صحیح است.** به نظر می‌رسد پاسخ 1صحیح ترین گزینه باشد زیرا انسان به دلیل دارا بودن روح خدایی و فطرت ستایش و به دلیل طبیعت گرایی و عواملی که باعث آلوده شدن نفس او می‌شوند نکوهش می‌شود.

**31. گزینه 3 صحیح است.** و نفس و ما سویها فالهمها فجورها و تقویها: قسم به نفس و آنکه او را متعادل و متکامل آفرید و در او پرهیزکاری و بدکاری الهام کرد. این آیه ناظر به روان انسان است که می‌تواند در مسیر ظهور و فعلیت فطرت حرکت کرده و الهام گیرد و متکامل شود و یا به بدکاری روی آورد، حالت اکتسابی جذب خیر یا شر را دارد.

**32.** **گزینه 1 صحیح است.** ان الله لایغیر ما بقوم الا یغیرو ما بانفسهم. خداوند سرنوشت هیچ قومی رو تغییر نمی ­دهند مگر اینکه آن­ها خود تغییر کنند.

**33. گزینه 3 صحیح است.** به نظر می‌رسد صحیح‌ترین گزینه، گزینه 3 باشد زیرا تنویر به معنای اشراق می‌باشد که در فلسفه هم عنوان می‌شود تفکر به وسیله‌ی عقل و قلب انجام می‌شود و در جایی اشاره شده است که کوری وکری متوجه قلب است.

**34. گزینه 3 صحیح است.** در قرآن کریم طغیان علیه خدا و حق محدودیتی است که هر گاه در انسان استغنا و طلب بی نیازی ایجاد شود، به وجود می آید.

**35. گزینه 1 صحیح است.** سوره‌ی «ناس» را بسیاری از ما در دروس دبیرستان به خاطر داریم. سوره‌ای بسیار کوتاه که می‌فرماید: قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ (1) مَلِكِ النَّاسِ (2) إِلَهِ النَّاسِ (3) مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ (4) الَّذِي يُوَسْوِسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ (5) مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ .

**36.** **گزینه 3 صحیح است.** معانی قلب در قرآن کریم قلب به معنای پاره گوشت به کار نرفته بلکه کانون ادراک و تعقل، انفعال و احساس و ...است . قلب به معنای دگرگون شدن است و پیوسته در حال تغییر بودن است.قلب بخش اصلی و مرکزی شخصیت انسان، و دارای کارکرد‌های معرفتی عاطفی و ارادی است.

1) قلب به معنای **کانون فطرت سلیم**: «یوم لا ینفع مال و البنون الّا من اتی الله بقلب سلیم» (روزی که مال و فرزندان سودی نمی‌رسانند، مگر آنکه خدای را با دلی سالم و روانی پاک ملاقات کند)

2) قلب به مفهوم **کانون آلودگی ها**: «و لا تکتموا الشهاده و من یکتم‌ها فانه آثم قلبه» (شهادت را کتمان نکنید و اگر کسی آن را کتمان کند قلبش گناهکار است)

3) قلب به معنای **کانون تفکر و استدلال و ایمان**: «و من یؤمن بالله یهد قلبه» (و آنکه به خداوند ایمان دارد، پروردگار دل او را رهبری می‌کند)؛ «....فتکون لهم قلوب یعقلون بها...» ( ....تا با قلب هایشان تعقل کنند....)

4) قلب به عنوان **کانون عواطف خانوادگی**: «و جعلنا فی قلوب الذین اتبعوه و رحمه» (در دل‌های کسانی که او را پیروی کردند، مهر و رحمت قرار دادیم).

**37. گزینه 2 صحیح است**. قلب به معنای کانون تفکر و استدلال و ایمان: «و من یؤمن بالله یهد قلبه» (و آنکه به خداوند ایمان دارد، پروردگار دل او را رهبری می‌کند)؛ «....فتکون لهم قلوب یعقلون بها...» ( ....تا با قلب هایشان تعقل کنند....)

**38**. **گزینه 4 صحیح است.** قلب به عنوان کانون عواطف خانوادگی: «و جعلنا فی قلوب الذین اتبعوه و رحمه» (در دل‌های کسانی که او را پیروی کردند، مهر و رحمت قرار دادیم).

# فصل دوم: کندی

**1- کندی قوای نفس را کدامیک از موارد زیر معرفی کرده است؟**

1) حسی و عقلی 2) مصوره و غازیه 3) نامیه و شهویه 4) غضبیه و شهوانیه

**2- کندی طبیعت نفس را چه می داند؟**

1) جوهری بسیط، الهی و روحانی است. 2) جوهری است بسیط اما دارای عمق.

3) طول و عرض و عمق دارد و نوری از انوار الهی است. 4) طول و عرض ندارد اما عمق دارد و نوری از انوار الهی است.

**3- چه کسی عقل هیولانی را عقل ماده نامیده است؟**

1) ابن سینا 2) اسکندر افریدوسی 3) فارابی 4) لودانتک

**4- "نفس نخستین استکمال جسم بالقوه دارای حیات است"، این تعریف از کیست؟**

1) ارسطو 2) ابن سینا 3) کندی 4) فارابی

**5- به اعتقاد کندی صُور که در درون نفس از قوه خارج و فعلیت می‌یابند، چون فعلیت خود را از عقل می‌گیرند، عقل.........نامیده می‌شود.**

1) اولی 2) مستفاد 3) بالقوه 4) بالفعل

**6- قوه مصوره در نظریه‌ی کندی با کدام یک از قوای مورد اعتقاد بوعلی‌سینا یکسان و برابر است؟**

1) مخیله 2) واهمه 3) متصرفه 4) حافظه

**7- از نظر کندی، علاقه و ارتباط "نفس با جسم" چگونه است؟**

1) ذاتی 2) مباین 3) ظاهری 4) عارضی

**8- دو قوه بزرگی که کندی از آن نام برده است کدام می‌باشد؟**

1) مصوره و غازیه 2) نامیه و غضبیه 3) ناطقه و مصوره 4) عقلی و حسی

**9- از دیدگاه کندی، قوه حاسه در کدام دسته از موجودات وجود دارد؟**

1) انسان 2) همه حیوانات 3) حیوانات دانی 4) انسان و حیوانات عالی

**10- نظریه "ما در این جهان مانند کاروانی هستیم که از پل یا معبری می‌گذریم و در اینجا درنگی نخواهیم داشت" از کیست؟**

1) ابن سینا 2) کندی 3) سهروردی 4) فارابی

**11- بنا به اعتقاد کندی، زمانی که "عقل" را به کار می بریم و مورد استفاده قرار می‌دهیم، آن را "عقل .........." می‌نامند.**

1) ظاهر 2) بالفعل 3) فعال 4) مستفاد

**12- جمله "ای انسان نادان آیا نمی‌دانی که بقای تو در این جهان لحظه‌ای بیش نیست" از کیست؟**

1) ارسطو 2) افلاطون 3) ابن‌سینا 4) کندی

**13- به عقیده کدام دانشمند، نفس جوهری بسیط، الهی و روحانی و نوری از انوار باری تعالی است؟**

1) فارابی 2) کندی 3) ابن‌سینا 4) افلاطون

**14- بر اساس نظریه کندی، قوه عاقله قوه ای است که انواع و :**

1) اشخاص و ابزار را درک می‌کند. 2) اجناس و اشخاص را درک می‌کند.

3) اجناس را درک می‌کند نه اشخاص را. 4) اشخاص را درک می‌کند نه اجناس را.

**15- تفاوت میان حس و قوه مصوره از نظر کندی کدام است؟**

1) حس، صور محسوسات را در قالب ماده به ما القاء می‌کند، ولی قوه مصور مجرد از ماده

2) حس، صور محسوسات را در ماده ایجاد می‌کند، ولی قوه مصور مجرد از ماده

3) حس، صور محسوسات را در حال بیداری القاء می‌کند، ولی قوه مصور در حال خواب

4) حس صور محسوسات را در قالب ماده و در حال بیداری القاء می‌کند، ولی قوه مصور درحال خواب و بیداری

**16- از نظر کندی "قوه غلبیه" شامل چه قوایی است؟**

1) غضبیه و شهویه 2) حسی و عقلی 3) مصوره و حافظه 4) غاذیه و نامیه

**17- از دیدگاه کندی کدام یک از اعضای بدن آلت مشترک بین حس و عقل است؟**

1) بینایی 2) شنوایی 3) لامسه 4) مغز

**18- کدام یک از عبارات زیر در مورد دیدگاه "کندی" درباره عقل درست است؟**

1) عقل بالقوه، علت تمامی معقولات است. 2) عقل بالفعل، علت تمامی معقولات است.

3) عقل در نفس بالفعل که از فعل به قوه در می آید. 4) عقل ظاهر، که از قوه به فعل در می آید.

**19- اسکندر افریدوسی چه چیز را خارج کننده عقل از قوه به فعل می‌داند؟**

1) عقل فعال 2) وحی 3) یاد آوری 4) معقولات

**20- در نظریه تطهیر نفس کندی، نفس بعد از طی طریق از فلک کوکبی به کدام فلک می‌رسد؟**

1) فلک قمر 2) فلک اعلی 3) فلک ارض 4) عتام عقل

**21- در تقسیم‌بندی قوای نفس از سوی کندی، کدام قوه صور جزئیات را بدون حضور ماده ایجاد می‌کند؟**

1) حواس پنجگانه 2) قوه مصوره 3) قوای حافظه 4) قوای غلبیه

**22- در تقسیم بندی عقل از سوی کندی کدام نوع عقل ابتکار خود وی می‌باشد؟**

1) عقل بالفعل 2) عقل بالقوه

3) عقلی که در نفس از قوه به سوی نهایت می رود. 4) عقل ظاهری

**23- چه کسی رویا ها را به چهار نوع متفاوت تقسیم و نیز از رمزی بودن بعضی از آنها سخن گفت؟**

1) غزالی 2) کندی 3) فارابی 4) ابن سینا

**24- کدام یک از موارد زیر با نظرات کندی در باره طبیعت نفس منطبق نیست؟**

1) نفس جوهری بسیط است. 2) نفس نوری است از انوار باریتعالی

3) نفس همزمان با جسم آفریده شده است. 4) نفس نه طول دارد و نه عرض

**25- کندی معتقد بود که:**

1) نفس بعد از فنای جسم فانی می‌شود. 2) نفس قبل از فنای جسم فانی می‌شود.

3) نفس بعد از فنای جسم باقی می‌ماند. 4) نفس و جسم توامأ فانی می‌شود.

**26- کدام یک از عبارت‌های زیر درباره نظر کندی صحیح نیست؟**

1) نفس عاقل بالقوه است. 2) نفس تحت تأثیر عقل به فعلیت در می‌آید.

3) نفس و صورت عقلیه یک چیزند. 4) نفس عاقل است ولی معقول نیست.

**27- در کدامیک از موضوعات علم‌النفس عقیده‌ی کندی بر این است که: ما در این جهان مانند کاروانی هستیم که از پل یا معبری می‌گذریم و مقام و قرارگاه اصلی ما عاملی است اعلا و شریف.**

1) کمال نفس 2) بقای نفس 3) نظریه معرفت 4) نظریه تطهیر

**28- طبق نظر کندی نفوس پس از مرگ چه مسیری را باید طی کنند تا به نور باری برسند؟**

1) عالم عقل، فلک قمر، فلک کوکبی، فلک اعلی 2) فلک قمر، فلک اعلی، فلک کوکبی، فلک عقل

3) فلک قمر، فلک کوکبی، فلک اعلی، عالم عقل 4) فلک کوکبی، فلک قمر، فلک اعلی، عالم عقل

**29**- **تقسیم قوای نفس به سه قوه کلی شامل قوای حاسه، قوای علقی و قوای متوسطه از کیست؟**

1) فارا 2) کندی 3) غزالی 4) ملا ص

# 

# پاسخ سوالات فصل دوم

**1. گزینه 1 صحیح است.** كندي اشاره مي‌كند به اينكه قواي نفس بسيار است. او دو قوه بزرگ را نام مي‌برد: **قوه حسي** و **قوه عقلي**. قواي ديگر ميان اين دوقوه‌اند.

**2. گزینه 1 صحیح است.** كندي در بيان طبيعت نفس مي‌گويد: **«نفس جوهري بسيط، الهي و روحاني است، نه طول دارد نه عرض و نه عمق، نوري است از انوار باريتعالي».**

**3. گزینه 2 صحیح است. اسكندر افروديسي** عقل هيولاني را عقل ماده ناميده است. او مي‌افزايد كه اگر اين عقل را مادي ناميده ام از آن جهت است كه در ماده است. كندي نيز، عقل هيولاني را همان عقل مادي مي‌داند. وظيفه عقل هيولاني اين است كه صور ماهيات را از مواد آنها انتزاع كند، تا همه در آن بالفعل موجود باشند بدين معني كه معقولات، پيش از آنكه مورد تعقل قرار گيرند يا تعقل شوند، معقولات بالقوه‌اند. و عقل نیز عقل بالقوه است. و چون تعقل شدند، معقولات بالفعل مي‌گردند و عقل نيز عقل بالفعل مي‌شود.

**4. گزینه 1 صحیح است.** کندی نفس را چنين تعريف مي‌كند: **«نفس نخستين استكمال جسم طبيعي بالقوه داراي حيات است»**یا«تمامیت جرم طبیعی دارای آلت و قابل زندگی». این دو تعریف در حقیقت یکسانند؛ زیرا «تمامیت» یعنی «استکمال یا کمال» و «قابل زندگی» یعنی «دارای زندگی بالقوه».تعريف فوق اساساً از ارسطو و حكماي پيرو مكتب اوست. این سخن کندی که نفس «تمامیت» یا «استکمال» است، یعنی جنس به سبب آن کامل و به نوع، مبدل می‌گردد و به دیگر سخن یعنی جرم طبیعی، به واسطه نفس، کامل و به انسان تبدیل می‌شود. مراد از «قابل زندگی» و «دارای زندگی بالقوه» آن است که در وی، استعداد زندگی و نیز پذیرش قوای نفس وجود دارد.

**5. گزینه 2 صحیح است.** رأي كندي در مورد عقل چنين است: عقل واحد است، كه در نفس بالقوه وجود دارد و آنگاه از قوه به فعل در مي‌آيد. به فعليت در آمدن نفس، خود تحت تأثير معقولاتي است كه آن معقولات همواره موجوديتي بالفعل دارند. پس كندي معتقد است كه نفس عاقل بالقوه است و تحت تأثير عقل او به فعليت مي‌گرايد و چون صورت عقليه با آن متحد شد، نفس و صورت عقليه يك چيز مي‌شوند. يعني نفس هم عاقل است و هم معقول. پس عقل و معقول از جهت نفس، شئ واحد است. به اعتقاد کندی صُور که در درون نفس از قوه خارج می شوند و فعلیت می‌یابند، چون فعلیت خود را از عقل می‌گیرند، عقل مستفاد نامیده می‌شود.

**6. گزینه 1 صحیح است.** قوه مصوره از دید کندی يعني قوه‌اي كه صور جزئيات را بدون حضور ماده ايجاد مي‌كند. فرق ميان حس و قوه مصوره اين است حس، صور محسوسات را درحاليكه در ماده هستند و حضور دارند به ما القاء مي‌كند، درحاليكه قوه مصوره، محسوسات را مجرد از ماده، با شكل و همه كيفيات و كمياتشان به ما عرضه مي‌دارد. قوه مصوره هم در حال خواب و هم در حال بيداري عمل مي‌كند. از خصوصيات اين قوه آن است كه قدرت تركيب دارد، يعني مي‌تواند انساني را تصور كند با سري چون شير. قوه ی متخیله كار اين قوه اين است كه صورت‌هايي كه از حس گرفته و معني‌هايي كه به وهم دريافته شده به همديگر آميخته و پراكنده سازد.

**7. گزینه 4 صحیح است.** کندی معتقد به خلاص نفس است. اما علاقه نفس به جسم، علاقه عارضي است. نفس متحد با جسم است و كارهاي خود را به وسيله آن انجام مي‌دهد هر چند كه جدا از جسم و مباين با آن است. نفس بعد از فناي جسم باقي مي‌ماند. کندی از جمله دانشمندان اسلامی است که به روحانیت نفس اعتقاد دارد. سخن کندی در باب قوای نفس، آمیزه‌ای از آرای ارسطو و افلاطون، بدون مرزبندی میان آن هاست.

**8. گزینه 4 صحیح است.** به پاسخ سوال 1 مراجعه شود.

**9. گزینه 2 صحیح است. قوای حاسه:** آلت‌هاي اين قوه، اعضاي حواس پنجگانه است و در بین انسان و همه­ی حیوانات مشترک است .قوه حاسه، صور محسوسات را كه در طينت آنها، يعني در ماده آنها قرار دارد، در مي‌يابد. اين قوه قدرت ندارد که صورت های مختلف را با هم ترکیب کند و در نهایت صورت جدیدی بسازد و تنها قادر به ادراک ویژگی هایی مربوط به حواس پنج گانه (ظاهر) می­باشد.قوه حاسه، چيزي جز نفس نيست. او خود ذاتاً نفس است. حاس و محسوس در نفس، يك چيزند.

**10. گزینه 2 صحیح است.** كندي اضافه مي‌كند: «ما در اين جهان مانند كارواني هستيم كه از پل يا معبري مي‌گذريم؛ در اينجا درنگي نخواهيم داشت.» كندي مي‌افزايد: «مقام و قرارگاه اصلي ما عالمي است اعلي و شريف، كه ارواح ما پس از مرگ بدان عالم منتقل مي‌شوند» او در اين گفتار، صراحتاً به بقاي نفس اقرار مي‌كند و در پايان در تأييد گفته خود چنين مي‌گويد: «اي انسان نادان، آيا نمي‌داني كه بقاي تو در اين جهان لُمحه‌اي بيش نيست و تو به عالم حقيقي خواهي رفت و در آنجا تا ابد خواهي ماند؟»

**11. گزینه 1 صحیح است.** در نهایت عقل ظاهر که ابتکار خود کندی می­باشد؛ به عقلی گفته میشود که نه تنها خود غرق در ادراک معقولات گردیده بلکه می تواند ان معقولات را به دیگران نیز بدهد . در واقع هنگامی که عقل بالفعل به کار گرفته شود و نمود ظاهری و بیرونی به خود بگیرد عقل ظاهر نامیده می­شود.این عقل در میان دانشمندان و اهالی قلم دیده می­شود.

**12. گزینه 4 صحیح است.** كندي مي‌افزايد: «مقام و قرارگاه اصلي ما عالمي است اعلي و شريف، كه ارواح ما پس از مرگ بدان عالم منتقل مي‌شوند» او در اين گفتار، صراحتاً به بقاي نفس اقرار مي‌كند و در پايان در تأييد گفته خود چنين مي‌گويد: «اي انسان نادان، آيا نمي‌داني كه بقاي تو در اين جهان لُمحه‌اي بيش نيست و تو به عالم حقيقي خواهي رفت و در آنجا تا ابد خواهي ماند؟»

**13. گزینه 2 صحیح است.**

**14. گزینه 3 صحیح است.** قوه عاقله قوه‌اي است كه صور اشياء را، مجرد از هيئت آنها، درك مي‌كند. به عبارت ديگر، درك انواع و اجناس مي‌كند و نه اشخاص.

**15. گزینه 1 صحیح است.** قوه مصوره يعني قوه‌اي كه صور جزئيات را بدون حضور ماده ايجاد مي‌كند. فرق ميان حس و قوه مصوره اين است حس، صور محسوسات را درحاليكه در ماده هستند و حضور دارند به ما القاء مي‌كند، درحاليكه قوه مصوره، محسوسات را مجرد از ماده، با شكل و همه كيفيات و كمياتشان به ما عرضه مي‌دارد. قوه مصوره هم در حال خواب و هم در حال بيداري عمل مي‌كند. از خصوصيات اين قوه آن است كه قدرت تركيب دارد، يعني مي‌تواند انساني را تصور كند با سري چون شير.

**16. گزینه 1 صحیح است.** كندي از دو قوه غضبيه و قوه شهويه در كتاب حدود الاشياء و رسوم‌ها نام مي‌برد و آن دو را مجتمعاً **غلبيه** مي‌نامد. غلبيه، قوه‌اي است كه در برخي اوقات آدمي را بر مي‌انگيزد و به انجام كارهاي بزرگ وا مي‌دارد

**17. گزینه 4 صحیح است.** همه اين قوا متعلق به نفس هستند. ولي آلت برخي از آنها دماغ (مغز) است كه محل همه قواي نفسيه است؛ و دماغ آلتي است مشترك ميان حس و عقل.

**18. گزینه 2 صحیح است.** عقل از نظر کندی، عقلی واحد است که در نفس، به نحو بالقوه وجود دارد و تحت تاثیر معقول؛ به فعلیت می­رسد . در این مسیر عقل بالفعل، عقلی است که مجزا( مفارق) از نفس انسان است و عامل ارتقای مراتب عقل، و علت تمامی عقل و معقولات است. در واقع این عقل نیروی حرکت انسان برای تعقل است و مواد لازم برای تعقل را در اختیار وی قرار می­دهدعقل بالقوه همان استعداد موجود در انسان برای یادگرفتن و ادراک معقولات است.به عقلی که در نفس از قوه به سوی فعلیت(نه معکوس آن) میرود ؛ عقل بالملکه و یا بالمستفاد نیز می­گویند. در این عقل هنگامی که درک معقولات مجرد یا همان کلیات به پایان رسد ؛ نفس قادر میگردد تا هر زمان که بخواهد آن معقولات را طلب کند و نفس واجد آن میشود( یعنی قبلا این توانایی را نداشته و حالا واجد آن شده است و هر زمانی که بخواهد میتواند آن چیزی را که به دست آورده به فعلیت برساند) .

از منظر کندی معقولات خارج کننده­ی عقل از حالت بالقوه به سوی فعلیت است. در نهایت عقل ظاهر که ابتکار خود کندی می­باشد؛ به عقلی گفته میشود که نه تنها خود غرق در ادراک معقولات گردیده بلکه می تواند ان معقولات را به دیگران نیز بدهد . در واقع هنگامی که عقل بالفعل به کار گرفته شود و نمود ظاهری و بیرونی به خود بگیرد عقل ظاهر نامیده می­شود.این عقل در میان دانشمندان و اهالی قلم دیده می­شود.

**19. گزینه 1 صحیح است.**

**20. گزینه 2 صحیح است.** کندی معتقد به خلاص نفس است: « چنان نیست که نفسی که از جسم خارج شد، در آن مکان رود، زیرا نفسی که از جسم خارج شد هنوز آلوده است. پس بعضی از نفوس به فلک قمر می روند و مدتی در آنجا درنگ کنند. چون پاک شوند به فلک کوکبی و بالاتر فرا شوند و همچنین طی مدارج کنند تا به فلک اعلی رسند . در آنجا به نهایت پاکیزه شوند و همه‌ی آلودگی های جسمی و خیالات و پلیدی ها از آن ها زایل گردد و آنگاه به عالم عقل روند و به نور باری رسند و خداوند در آنجا چیزهایی از سیایت عالم به وی بار گذارد که نفس به انجام دادن و تصرف در آنجا متلذذ گردد.

**21. گزینه 2 صحیح است.** مراجعه شود به پاسخ سوال 15

**22. گزینه 4 صحیح است.**

**23. گزینه 2 صحیح است.** کندی رویاها را به چهار نوع متفاوت تقسیم کرد: 1- رویا خبردهنده 2- رویای رمزی 3- رویایی که در آن اموری بر ضد خود دلالت دارند. 4- رویایی که آنچه در آن دیده می‌شود، راست نیست.

**24. گزینه 3 صحیح است.** كندي در بيان طبيعت نفس مي‌گويد: «نفس جوهري بسيط، الهي و روحاني است، نه طول دارد نه عرض و نه عمق، نوري است از انوار باريتعالي». ولي هرگز صريحاً نمي‌گويد آيا نفس قبل از بدن موجود بوده يا آنكه با جسم آفريده شده و در آن حلول كرده است.

**25. گزینه 3 صحیح است.** كندي مي‌افزايد: «مقام و قرارگاه اصلي ما عالمي است اعلي و شريف، كه ارواح ما پس از مرگ بدان عالم منتقل مي‌شوند» او در اين گفتار، صراحتاً به بقاي نفس اقرار مي‌كند و در پايان در تأييد گفته خود چنين مي‌گويد: «اي انسان نادان، آيا نمي‌داني كه بقاي تو در اين جهان لُمحه‌اي بيش نيست و تو به عالم حقيقي خواهي رفت و در آنجا تا ابد خواهي ماند؟»

**26. گزینه 4 صحیح است.** به فعليت در آمدن نفس، خود تحت تأثير معقولاتي است كه آن معقولات همواره موجوديتي بالفعل دارند. پس كندي معتقد است كه نفس عاقل بالقوه است و تحت تأثير عقل او به فعليت مي‌گرايد و چون صورت عقليه با آن متحد شد، نفس و صورت عقليه يك چيز مي‌شوند. يعني نفس هم عاقل است و هم معقول. پس عقل و معقول از جهت نفس، شئ واحد است.

**27. گزینه 2 صحیح است.** كندي مي‌افزايد: «مقام و قرارگاه اصلي ما عالمي است اعلي و شريف، كه ارواح ما پس از مرگ بدان عالم منتقل مي‌شوند» او در اين گفتار، صراحتاً به بقاي نفس اقرار مي‌كند.

**28. گزینه 3 صحیح است.** مراجعه شود به پاسخ سوال 20

**29. گزینه 2 صحیح است.** در نظریه کندی:

* قوه حسی (حاسه) : مشترک میان حیوانات
* قوه متوسطه: محدوره – حافظه - تغذیه - نمو - شهوت(غلبیه) - غضب (غلبیه)
* قوه عقلی: 1- عقل بالقوه 2- در نفس از قوه به سوی فعلیت حرکت می‌کند (بالملکه) 3- عقل بالفعل 4- عقل ظاهر